

پس از جنگ مسایل خارجی

ملکی - این قضاوت شخصی در مورد زمان جنگ است. تعداد افرادی که به جبهه‌ها رفتند نشان دهنده یاری گرفتن از نیروهای بالقوه بوده است. اما اگر منظور از نیروهای بالقوه، افراد سیاسی هستند آنهایی که واقعا حسن نیت داشتند کمک کردند و این مسئله در حیظه اختیارات مانیست ولی در مورد مذاکرات و تاحدی که من می دانم و مسئولیت دارم. می دانم که ما واقعا " دنبال افرادی که بتوانند در این قضیه کمک کنند هستیم و این مسئله در کمیته هماهنگی مذاکرات تصویب شده است. افراد حقوقدان، دانشمندان روابط بین المللی، افرادی که در تنظیم قرار دارد ۱۹۷۵ پروتکل‌های وابسته به آن شرکت داشتند و کار کارشناسی کرده اند می توانند به ما مراجعه کنند. قبلا" هم اعلام کردیم و چند نفر هم که در تدوین و تنظیم قرارداد ۱۹۷۵ شرکت داشتند و تعدادی از اساتید دانشگاهها آمدند. در هیات نیویورک و ژنو ۸ نفر خارج از وزارت خارجه و دستگاه حکومتی کشور بودند. به هر حال این کاری ملی است و مربوط به تمام مردم می شود.

● بعضا" گفته می شود قطعنامه ۵۹۸ در مورد تعیین متجاوز تصریح ندارد یعنی اینکه فقط شروع کننده جنگ را مشخص می کند و نهایتا" ممکن است عراق را شروع کننده بدانند و یا ایران را ادامه دهنده، لطفا" توضیح بفرمایید.

محللاتی - درست است اصطلاحی که در متن قطعنامه به کار رفته کلی است. اما یک نکته خیلی مهم است. نکته مورد توجه پرسشگر هم درست است عراق و یا حامیانش سعی دارند بگویند که مسئولیت جنگ به سه حیظه تقسیم می شود. مقدمات و تمهیدات جنگ، آغاز جنگ و ادامه جنگ، و با عنوان کردن این بحث تلاش دارند مسئله مسئولیت تجاوز

درباره

توضیحی

گفت و شنود



حزب لاریجانی - معاون اروپا و آمریکایی وزارت امور خارجه - که پس از سخنان خود جلسه را ترک گفت، دیگر سخنرانان در پایان جلسه در یک گفت و شنود یا حاضرات شرکت کردند و به سئوالاتی پاسخ گفتند که در افکار عمومی ایران مطرح است. این گفت و شنود گردهمایی توضیحی وزارت خارجه را تکمیل کرد. پاره‌ای از پرسشها و پاسخهای مطرح شده در این جلسه را در اینجا خواهید خواند.

● آیا ایران در بهترین زمان ممکن قطعنامه را پذیرفت؟

ناصری - به این سئوال کوتاه پاسخی کوتاه می توان داد. قضاوت در مورد اینکه بهترین زمان برای یک تصمیم سیاسی مهم چه زمانی است، مشکل است. معمولا" این قضاوت بعد از انجام عمل آسانتر است. برای برخورد منصفانه تر و صحیح تر لازم است شرایطی را که تصمیمات در آن قالب و جارجوب اتخاذ می شود مد نظر قرارداد. به هر حال اینکه چه زمانی بهترین زمان مناسب برای اعلام رسمی پذیرش قطعنامه توسط جمهوری اسلامی ایران بود، قبل و بعد از پذیرش آن مطرح بوده و شاید نظر واحدی هم در این مورد نبوده است، اما مجموعه شرایط نشان می دهد که تصمیم به موقع بود. حالا اگر در بهترین موقع نبود ولی این تصمیم زمانی اتخاذ شد که بسیاری از برنامه های مورد نظر عراق را دچار مشکل کرد. به هر حال این تصمیمی است که صرفا" توسط جمهوری اسلامی ایران اتخاذ شده است. ما هرگز قطعنامه را رد نکرده بودیم و حتی فراتر از آن طرحی را که دبیرکل برای اجرای قطعنامه پیشنهاد کرده بود پذیرفته بودیم.

● آیا همچنان مایل هستید مذاکرات صلح را هم مانند جنگ، بدون کمک نیروهای بالقوه داخلی انجام دهید و آیا فکر نمی کنید که بعد از رفع مشکلات عمده داخلی خواهید توانست در مذاکرات موفق شوید؟

را در جنگ لوث کنند اما از نظر حقوق بین الملل دست ما باز است. تجاوز همه جانبه به خاک یک کشور آنقدر وزن قوی و مهمی دارد که تمام مسائل دیگر را تحت الشعاع قرار می دهد حتی اگر کمیته ای تشکیل شود و به تمام مسائل مورد نظر عراق رسیدگی

کند باز هم نتیجه‌ای که عاید عراق می‌شود نقض حقوق بین‌المللی است. هیات ایران هم دست از تعیین آغازگر جنگ و متجاوز بر نمی‌دارد و در شورای امنیت هم معارضه-ای با این مسئله وجود ندارد.

● زمان مناسب برای مذاکره در مورد "طرح امنیت دسته‌جمعی و منطقه‌ای" چه موقع خواهد بود؟

ملکی - الان زمان خوبی است. امنیت دسته‌جمعی ناظر بر فعالیت‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس است. همان‌طور که در سمینار خلیج فارس پیشنهاد شد، جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر منطقه، در این مورد باید به توافق برسد. معاون امور کشورهای عربی و آفریقایی وزارت امور خارجه چند هفته قبل به کشورهای منطقه سفر کرد و راجع به طرح امنیت دسته‌جمعی صحبت شده است. هر چه ما در این راستا بیشتر برویم و با کشورهای منطقه بیشتر صحبت کنیم بیشتر امکان می‌یابیم که منطقه را از نیروهای بیگانه خالی کنیم و از سیاست‌های تفرقه‌افکنانه عراق جلوگیری کنیم. در حال حاضر به جز دو کشور با بقیه کشورهای روابط به سرعت رو به گسترش است.

● لطفاً در مورد "شرایط برابری" که عراق بعد از آتش‌بس برای سود بردن از خلیج فارس ادعا کرده است توضیحات بیشتری بدهید؟

ناصری - بحثی که عراق در مورد آزادی کشتیرانی عنوان می‌کند بسیار گسترده است. در مقابل مجموعه پیشنهادات ما که براساس حسن نیت بود عراق پیشنهاد کرد که:

- ۱- تصریح شود ایران حقی در بازرسی کشتی‌ها ندارد و این کار ممنوع است.
- ۲- تقویت نظامی برای عراق میسر باشد.

۳- تصریح شود که همه نوع کشتی‌ها هم از تجاری و نظامی آزادانه و بدون هرگونه مزاحمتی از خلیج فارس و تنگه هرمز عبور کند.

● معمولاً جنگ‌های تجاوزکارانه در طول

آیا جنگ را دوباره آغاز نخواهد کرد؟
ملکی - اگر موقعیت داخلی، بین-العربی و بین‌المللی خود را مساعد ببینند احتمال اینکه دوباره جنگ را شروع کنند هست و تنها توانایی‌های دفاعی و آمادگی همگانی مردم ما می‌تواند از این کار جلوگیری کند.

● آیا احتمال دارد دبیر کل طرحی برای حل مسئله، به نحوی که هر چهزودتر به صلح برسیم عنوان کند که به ضرر ایران تمام شود؟ و آیا ایران می‌تواند پیشنهاد دبیر کل را رد کند؟

ناصری - دبیر کل کارش این است که در هر مقطعی یا در نظر گرفتن مواضع طرفین پیشنهاداتی برای پیشبرد کار مطرح کند و در طول یک‌سالگی که از تصویب قطع-نامه می‌گذرد، در نیویورک، و فعالتر از همیشه در ژنو این کار را انجام داد. مایشبهدات دبیر کل را مستقلاً بررسی می‌کنیم و اگر



سید دبیر کل بریزیم؟ و حالا که مسئله‌ای به این حساسیت را در صحنه سیاسی دنبال می‌کنیم نقطه اصلی توجه‌مان دبیر کل باشد. به هر حال دبیر کل تحت تأثیر گرایش‌های سیاسی نیست و از جانب تمام کشورهای عضو سازمان ملل سخن می‌گوید و ملاحظات ناشی از همین مسئله او را در چهارچوب خشکی قرار می‌دهد و تا زمانی که او مستقلاً عمل می‌کند و گرایش خاصی به جهت خاصی ندارد این همکاری مثبت با دبیر کل می‌تواند ادامه یابد.

● در اخبار آمده بود صدام حسین در جلسهای با مسئولان مملکتی و فرماندهان نظامی عراق در باره تغییر مسیر اروندرود و ایجاد یک کانال جدید بحث و بررسی‌هایی کرده است. در صورت اقدام عطفی عراق عکس‌العمل دولت ایران چه خواهد بود؟

ملکی - طبق قرارداد ۱۹۷۵ خط تالوگ در اروندرود مرز ایران و عراق است. حالا اگر عراق می‌خواهد این خط را به داخل خاک خودش بکشد بنابراین منطقی است که تالوگ همان رودخانه با کانل باز هم مرز ایران و عراق باشد.

● شنیده شده عراق اعلام کرده که از اروندرود نخواهد گذشت. موضع ایران در این مورد چیست و شورای امنیت چگونه با این مسئله برخورد خواهد کرد؟

محلای- با برخی از سفرای کشورهای عضو شورای امنیت حدود یک ماه پیش صحبت کردم. اکثریت آنها به استثنای شوروی اعلام کردند: معاهده ۱۹۷۵ غیرقابل نقض است، لااقل به یک دلیل حقوقی و آن دلیل هم این است که در متن قرارداد، بندی برای ملغی شدن قرارداد وجود ندارد و اصولاً معاهدات مرزی قابل لغو شدن نیستند. چند روز پیش هم در این زمینه شوروی موضع گیری نیمه رسمی کرد. در مجموع جو مسلط بر شورا نشان‌دهنده احترام به معاهده ۱۹۷۵ است.

● چرا طرح تحریم تسلیحاتی علیه ایران قبل

حقوق مشروع ما در آن منظور نشده باشد اعتراض می‌کنیم. فکر می‌کنم این مرتبط با مطلب دیگری است که یکی از حضار برای من نوشته است و احتمال دارد ریشه در نگرانی-ای داشته باشد که شاید صحیح هم باشد، آیا صلاح است ما تمام تخم مرغهایمان را در

تاریخ هر کشور برای در هم شکستن حرکت‌های منفی داخل کشور متجاوز، علیه حکومت دیگران بوده است. می‌توان تجاوز عراق به ایران را در این راستا تعبیر کرد. اگر کشور عراق بار دیگر گرفتاری‌های داخلی پیدا کند

از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت تصویب نشد؟
محلای - آمریکا در ژانویه سال گذشته در نوبت ریاست بر شورای امنیت سعی داشت طرح تحریم نظامی-تسلیماتی علیه ایران را به تصویب برساند. مختصر

مقاومتی هم که در شورای امنیت بود از بین رفته بود و زمینه برای تصویب طرح فراهم شده بود، ولی با حرکت زیرکانه‌ای که از جانب ایران صورت گرفت طرح تحریم تسلیحاتی شکست خورد. منظور نامه‌ای است که از جانب دکتر ولایتی صبح روزی که قرار بود طرح به تصویب برسد در شورای امنیت منتشر شد نکته‌های کلیدی در آن نامه بود، آقای ولایتی نوشته بودند: "پذیرش طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل متحد به مثابه پذیرش قطعنامه است" این جمله به طور جدی این سؤال را در ذهن بعضی از اعضای شورای امنیت ایجاد کرد که بالاخره جمهوری اسلامی ایران قطع نامه را پذیرفته است یا نه؟ و نیویورک تا میز فردای آن روز تیر زدن: این نامه شورای امنیت را گنج کرده است. گرچه در آن زمان آن نامه در معرض بی‌مهری‌های بعضی‌ها در داخل هم قرار گرفت و حملات تنیدی هم نسبت به آن به عمل آمد ولی گذشت زمان حقانیت آن نامه و آن حرکت بسیار مثبت وزارت خارجه را روشن کرد.

● روابط ایران با غرب چگونه است و آیا ما در این روابط افراط یا تفریط نکرده‌ایم و آیا صحت دارد که ایران از طریق کانال با آمریکا در تماس است؟

محللاتی - بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و مشخص‌تر شدن آینده وضعیت منطقه با درکی که نسبت به ثبات و قدرت ایران در منطقه به وجود آمد و درک اهمیت ایران در آینده منطقه و نیاز مستمر و مداوم غرب به منابع انرژی منطقه و با درک نسبت اهمیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در مقابل نفوذ نیروهای چپ، برای غرب این مسئله مطرح شد که ایران کشور مهمی است و باید به خاطر نیازهای استراتژیک خودش در آینده، ارتباط از جانب غرب و شرق، بعد از جریانات اخیر اوج گرفت و اگر با مبتدیان مسائل ژئوپلیتیک منطقه آشنا باشیم متوجه می‌شویم که چرا این علایق فوری تشدید شد و جریان پیدا کرد. آمریکا به‌ویژه از کانالهای مختلف و توسط واسطه‌های مختلف پیام فرستاده و

خواهد بود، این هم بحثی حداث است. اینکه آمریکا این علائق را منتقل می‌کند اگر موضوع بحث است به هیچ‌وجه موضوعیت ندارد، ما نمی‌توانیم به واسطه و عوامل مختلف بگوییم که شما پیام را انتقال ندهید. مهم موضع ما است. چه در مقابل شرق و چه در برابر غرب، صرف ارتباط، به اعتقاد من اهمیت ویژه‌ای در این قضیه ندارد، مهم جهت و هدف ارتباط است. اول باید اهداف ارتباط را از دیدگاه خودمان ارزیابی کنیم اگر به این نتیجه رسیدیم که یک ارتباط می‌تواند منافع ما را تأمین کند اهلاً و سهلاً، و اگر به نتیجه عکس رسیدیم باید موضع خاص خودمان را بگیریم. اما صرف اینکه ارتباط را زیر علامت سؤال بکشیم، به اعتقاد من چندان موضوعیت ندارد کما اینکه ما با شوروی هم با تمام سوابقش نسبت به افغانستان و... رابطه داریم.

ناصری - (به این سؤال خاص علاوه بر آقای محللاتی آقای ناصری هم پاسخ گفت). سعی می‌کنم دیدی را که در بطن این پرسش مطرح است توضیح دهم. امیدوارم حضار، به خصوص برادرانی که این موضوع را مطرح کرده‌اند، موضع ما را هم درک کنند که در یک جلسه عمومی تا چه حد می‌شود به این مطلب پرداخت. آقای لاریجانی هم گفتند: بعد از انقلاب بخشی از جهان و شاید هر دو جناح آمادگی برای پذیرش نظامی نو یا را که هدفتی مکتبی دارد نداشتند. بنا بر این گرایشی در تفکر جمهوری اسلامی ایران در سطح مسئولین و مردم به وجود آمد که گرایشی مبتنی بر بدبینی نسبت به دیپلماسی بود. چه در مخامخ بین‌المللی و چه در روابط دو جانبه با کشورهای، مدت‌ها بعد، پس از همه تحولاتی که در داخل کشور رخ داد وزارت امور خارجه به تدریج تثبیت شد و نظام به سمت ایجاد ارتباط با کشورهای دنیا رفت. زمانی حتی برای ایجاد ارتباط با کشورهای غیر متعهد و جهان سوم هم سؤالاتی مطرح می‌شد که به تدریج حل شد. با جهان سوم و بلوک شرق و حتی با شوروی بعد از همه فراز و نشیب‌ها به‌رودت نسبتاً با ثباتی رسیدیم

سادگی هم به نظام جدید تن در نداد. اما روال قضایا نشان می‌دهد که غربی‌ها و کشور-های عمده‌شان به این نتیجه رسیده‌اند که می‌بایستی با نظام جمهوری اسلامی ایران به تفاهم برسند. غربی‌ها می‌دانند که ما حاضر نیستیم به هر وضعیتی تن بدهیم و اصل استقلال برای ما یک اصل اساسی است و فقط در یک سطح برابر و بر اساس تفاهم و حسن نیت حاضریم با کشورها ارتباط برقرار کنیم. ترمیم روابط ما با غرب دیرتر آغاز شد. با بعضی از کشورها که کمی مثبت‌تر بودند مانند آلمان و ایتالیا زودتر رابطه برقرار کردیم و در مجموع کل روابط ما با همه تغییر و تحولات، در ارزیابی فعلی منفی نیست. فکر می‌کنیم ارزیابی طرف مقابل هم در مجموع همین باشد. ترمیم روابط با برخی از کشورهای دیرتر شروع شد و این به خاطر مواضع آنها بود ولی تا همین روابط بعد از پذیرش قطع نامه شروع نشده و مدتی است که حرکتی در این جهت آغاز شده است و این حرکت ینابه تشخیص مسئولین نظام بوده است. در همین راستا ما با فرانسه به تفاهم رسیدیم، با انگلستان - که بیشتر سؤال برانگیز است - روندی را طی می‌کنیم که در حال حاضر بطبیعی و تدریجی است ولی به نظر می‌رسد می‌تواند به وضعیت باثباتی تبدیل شود. در مورد آمریکا فرق می‌کند. تا جایی که به وزارت خارجه مربوط است حرکتی در این زمینه وجود نداشته است. ما مسائل را دنبال می‌کنیم و تمام مواضع علنی و غیرعلنی آمریکا را می‌دانیم و این طبیعت کار ماست ولی نظام تصمیمی در این مورد نگرفته یا حداقل وزارت خارجه چنین تصمیمی از نظام دریافت نکرده که چنین حرکتی به‌طور اساسی وجود داشته باشد. گاهی خیرها و شایعاتی هست و یا شاید مطالبی که فقط شایعه هم نیست مطرح می‌شود که چیزی است. فکر می‌کنم این نکته را می‌شود از آن طرف هم سنجید. اگر به صحبت‌های آمریکایی‌ها بیشتر توجه کنید گاهی می‌گویند: تماسهایی یا پیغام‌هایی به ما می‌رسد. همین که می‌گویند تماسها و پیغامها، یعنی که از کانالهای

خیلی اساسی نیست و دائماً می‌گویند "ایران باید کانال اصلی خود را برای صحبت با ما مشخص کند" یعنی که ارتباط اساسی نداشته‌ایم. اینکه در آینده وجود خواهد داشت یا نه. من نه نفیاً و نه اثباتاً چیزی نمی‌توانم بگویم.

و در همان زمان سؤال می‌شد که چرا ما با یک ابر قدرت صحبت می‌کنیم. نظیر همین حساسیت الان نسبت به جناح دیگر یعنی غرب است. با غرب مدارا مشکل‌تر بود و دیرتر انجام خواهد شد به این علت که غرب خیلی از رژیم طاغوت حمایت کرد و به

همچنان خواهد فرستاد برای اینکه آمریکا مایل است با ایران رابطه داشته باشد. اینکه آمریکا با چه قصد و مقصدی به این رابطه علاقه دارد، بحثی دیگر است و اینکه عکس‌العمل جمهوری اسلامی ایران نسبت به این علائق، غلامت‌ها و ابراز دوستی‌ها چه